



دانشگاه باقر العلوم «ع»

دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

بررسی عقلانی معنای زندگی

با تکیه بر قرآن کریم

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عسکری سلیمانی

استادان مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد واعظی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی شیروانی

دانشجو:

محمد مهدی قائمی امیری

۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر و تقدیر

برخود لازم می‌دانم از تمامی کسانی که در مراحل تدوین و نگارش این رساله قبول زحمت فرموده‌اند سپاسگزاری و قدردانی نمایم. به ویژه از استاد گرانقدر راهنما جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر عسکری سلیمانی و استادان مشاور ارجمند حجج اسلام جناب آقای دکتر احمد واعظی و جناب آقای دکتر علی شیروانی «ادام الله عزهم» که از راهنمایی‌ها و ملاحظاتهم در تهیه و تکمیل رساله بهره برده‌ام. هم چنین از اساتید دانشوری که داوری این مکتوب را متقبل شده‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. چنان که باید از تلاش‌های والدین و خانواده‌ام که با دعای خیر و تشویق‌ها و تحملشان زمینه‌ساز به ثمر نشستن این اثر ناچیز بوده‌اند تشکر نمایم و برای همگی حیات طیب و سعادت دو جهان را درخواست می‌کنم.

«وسپاس و ستایش در آغاز و انجام از آن خداست»

چکیده

مسئله معنای زندگی و پرسش از حقیقت و چرایی حیات، هدف و فرجام زندگی، اساسی-ترین دغدغه هر انسان آگاه است. بی‌پاسخی به مجموعه‌ای از پرسش‌ها در باره غایت، ارزش، کارکرد، خلاصه چرایی و سرانجام زندگی، موجب فرو غلتیدن به گرداب پوچی، سردرگمی، افسردگی، اضطراب و ناآرامی و در یک کلمه، بی‌معنایی است

معناداری زندگی هم با تبیین عقلی قابل بیان است و هم بیان وحی، روشن‌گر و کاشف هدف و معنا در زندگی است و هم با روش کارکردگرایانه قابل توجیه است. آن معنا از زندگی انسان را از تفرد، احساس پوچی و یأس‌رهایی می‌بخشد که با نوعی کشف در نگرش تکوینی صورت پذیرد. تلقی‌های اعتبارگونه و قراردادی و عدم کشف رابطه تکوینی انسان با خداوند انسان را از تنهایی و سردرگمی نجات نمی‌بخشد. پاسخ به پرسش چیستی «معنای زندگی» جز از راه شناخت انسان میسر نیست. معنای زندگی به هر سه معنای هدف، کارکرد و ارزش و قرار دادن زندگی در راستای آن مطرح است. نتیجه این بحث بدون لحاظ هدف آفرینش و مبدأ و معاد، تلاش بیهوده است. پس معنای زندگی انسان تابعی از وجود او و متناسب با آن و نیز با توجه به اهداف و اغراض آفرینش قابل پاسخ‌گویی است، هدف نهایی در زندگی انسان، معرفت و تقرب الهی است. ارزش زندگی در گرو رضایت الهی، کرامت انسانی، فطرت و جاودانگی است. کارکرد زندگی نیز با توجه به نقش خلافت‌اللهی انسان در نظام تکوین است و این جایگاه و غرض الهی با توجه به منابع و حیانی قابل اعتماد و تبیین بهتر است. حیات معقول و طیبه و شاخصه‌های آن که سبب معناداری زندگی است برگرفته از منابع قرآن و عترت است. نقطه مقابل این معنا، پوچی است که تهی دانستن زندگی از ارزش، جایگاه و هدف است. مادی‌گرایی و شکاکیت، علم‌زدگی و عدم توان پاسخ‌گویی به مسأله مرگ و فنا، شرور و رنج‌ها از عوامل سوق به پوچی است. توجه به مبدأ و معاد و اهداف خلقت و صفات الهی و جایگاه انسان، خروج از پوچی و ورود به معناداری حیات است. زندگی، معنادار است و بی‌معنایی و پوچی زندگی، غیر قابل اثبات، بی‌دلیل و ناپذیرفتنی است.

کلیدواژه:

معنای زندگی، هدف زندگی، ارزش زندگی، کارکرد زندگی، پوچی، حیات معقول، حیات طیبه، انسان

فهرست اجمالی مطالب

| | |
|-----|---|
| ۱ | فصل اول: کلیات و مفاهیم |
| ۲ | کلیات |
| ۲ | ۱-۱. مقدمات |
| ۲۳ | ۲-۱. مفاهیم |
| ۴۲ | فصل دوم: انسان‌شناسی |
| ۴۴ | ۱-۲. لزوم بحث از انسان‌شناسی در این تحقیق |
| ۴۵ | ۲-۲. روش‌های شناخت انسان |
| ۴۶ | ۳-۲. انسان‌شناسی در حکمت متعالیه |
| ۴۷ | ۴-۲. تعریف انسان |
| ۴۸ | ۵-۲. طبیعت انسان |
| ۵۱ | ۶-۲. فطرت |
| ۵۳ | ۷-۲. دوساحتی بودن انسان |
| ۶۳ | ۸-۲. ویژگی‌های انسان |
| ۶۵ | ۹-۲. جایگاه انسان در عوالم وجودی |
| ۷۰ | ۱۰-۲. خلافت الهی |
| ۷۲ | ۱۱-۲. کرامت انسان |
| ۷۴ | ۱۲-۲. سعادت و کمال انسان |
| ۹۰ | فصل سوم: هدف، کارکرد و ارزش زندگی |
| ۹۱ | ۱-۳. هدف |
| ۱۱۹ | ۲-۳. کارکرد |

۳-۳. ارزش ۱۲۴

فصل چهارم: نقش عقل و نقل در معنابخشی زندگی ۱۴۹

۴-۱. گونه‌های زندگی به اعتبار معناداری ۱۵۱

۴-۲. گونه‌های مختلف معناداری ۱۵۴

۴-۳. دلایل معناداری زندگی ۱۵۵

۴-۴. مبانی عقلی معنای زندگی ۱۵۷

۴-۵. برون‌رفت از بی‌معنایی ۱۶۴

۴-۶. معنا در پرتو دین و خداباوری ۱۷۰

۴-۷. معناداری زندگی در پرتو علم و مقایسه آن با دین: ۱۷۸

۴-۸. معنای زندگی بدون دین ۱۸۱

۴-۹. توفیق بیشتر توجی‌ها معنای زندگی در آثار دین‌مداران ۱۸۳

۴-۱۰. رابطه اخلاق و معنابخشی زندگی ۱۸۵

۴-۱۱. اصول معنای زندگی در اسلام ۱۸۸

۴-۱۲. آداب زندگی معنادار در سایه خدامحوری از دیدگاه قرآن کریم ۲۰۷

۴-۱۳. فلسفه و هدف آفرینش از دیدگاه قرآن کریم و عقل ۲۰۹

۴-۱۴. معنای زندگی در دیدگاه قرآنی ۲۱۴

۴-۱۵. چیستی معنای زندگی از دیدگاه امام علی **H** ۲۵۶

۴-۱۶. آثار معناداری زندگی در متون دینی ۲۶۲

۴-۱۷. ماهیت دنیا ۲۷۰

۴-۱۸. مرگ و معنابخشی ۲۸۳

۴-۱۹. نشاط و رضایت از زندگی و معناداری ۲۸۷

نتیجه و خاتمه ۳۰۴

فهرست منابع ۳۱۲

فهرست تفصیلی مطالب

| | |
|----|---|
| ۱ | فصل اول: کلیات و مفاهیم |
| ۲ | کلیات |
| ۲ | ۱-۱. مقدمات |
| ۲ | مقدمه |
| ۴ | ۱-۱-۲. بیان مسأله |
| ۷ | ۱-۱-۳. سؤالات اصلی و فرعی پژوهش |
| ۷ | ۱-۱-۴. اهمیت موضوع |
| ۸ | ۱-۱-۵. ضرورت تحقیق |
| ۹ | ۱-۱-۶. پیش فرض های پژوهش |
| ۱۰ | ۱-۱-۷. فرضیه های تحقیق |
| ۱۱ | ۱-۱-۸. پیشینه بحث |
| ۱۲ | تذکرات ضروری |
| ۱۲ | ۱-۱-۹. دغدغه درک معنای زندگی |
| ۱۳ | ۱-۱-۱۰. علل ظهور مسأله معنای زندگی |
| ۱۴ | ۱-۱-۱۱. ماهیت پرسش معنای زندگی |
| ۱۵ | ۱-۱-۱۲. جایگاه بحث معنای زندگی |
| ۱۶ | ۱-۱-۱۳. دینی و فلسفی بودن مسأله معنای زندگی |
| ۱۹ | درجات معناداری |

- ۱۹ ۱-۱-۱۵. مسائل «معنای زندگی»
- ۲۳ ۲-۱. مفاهیم
- ۲۳ ۱-۲-۱. مفهوم‌شناسی معنای زندگی
- ۲۴ معنا در معنای زندگی
- ۲۹ خلاصه و نتیجه
- ۳۰ ارکان و عوامل معناداری زندگی
- ۳۱ ۵-۲-۱. مفهوم زندگی
- ۳۱ ۱-۵-۲-۱. حیات
- ۳۵ ۲-۵-۲-۱. منشأ حیات
- ۳۶ ۳-۵-۲-۱. آیا همه موجودات از حیات برخوردارند؟
- ۳۸ ۴-۵-۲-۱. عشق به زندگی و انزجار از مرگ
- ۳۸ ۶-۲-۱. سنخ روانی افراد و معنای زندگی
- ۴۱ ۷-۲-۱. کشف یا جعل معنای زندگی

۴۲ **فصل دوم: انسان‌شناسی**

- ۴۳ مقدمه
- ۴۴ ۱-۲. لزوم بحث از انسان‌شناسی در این تحقیق
- ۴۵ ۲-۲. روش‌های شناخت انسان
- ۴۶ ۳-۲. انسان‌شناسی در حکمت متعالیه
- ۴۷ ۴-۲. تعریف انسان
- ۴۸ ۵-۲. طبیعت انسان
- ۵۱ ۶-۲. فطرت
- ۵۳ ۷-۲. دوساحتی بودن انسان
- ۵۴ ۱-۷-۲. اجمال دیدگاه‌ها در باره حقیقت روح
- ۵۵ ۲-۷-۲. تعریف نفس و مراتب آن

- ۵۷ ۲-۷-۱. درجات نفوس
- ۵۸ ۲-۷-۲. رابطه نفس و بدن
- ۶۱ ۲-۷-۳. جسم و روح در قرآن و احادیث
- ۶۳ ۲-۸. ویژگی های انسان
- ۶۵ ۲-۹. جایگاه انسان در عوالم وجودی
- ۶۷ ۲-۹-۱. عوالم پیشین
- ۶۹ ۲-۹-۲. عوالم پسین
- ۷۰ ۲-۱۰. خلافت الهی
- ۷۲ ۲-۱۱. کرامت انسان
- ۷۴ ۲-۱۲. سعادت و کمال انسان
- ۸۰ ۲-۱۲-۱. مصداق سعادت
- ۸۲ ۲-۱۲-۲. سعادت حکمت نظری و عملی
- ۸۲ ۲-۱۲-۳. عوامل سعادت و شقاوت
- ۸۴ ۲-۱۲-۴. لذت
- ۸۶ ۲-۱۲-۴-۱. لذت طلبی و رابطه آن با سعادت و معنای زندگی
- ۸۶ ۲-۱۲-۴-۲. لذت طلبی و قرآن

فصل سوم: هدف، کارکرد و ارزش زندگی

- ۹۰ مقدمه
- ۹۱ ۳-۱. هدف
- ۹۲ ۳-۱-۱. تفاوت هدف با معنای زندگی
- ۹۳ ۳-۱-۲. تفاوت هدف با کارکرد
- ۹۳ ۳-۱-۳. هدف و نتیجه و غایت
- ۹۵ ۳-۱-۴. هدف خارجی و خودبنیاد
- ۹۶ ۳-۱-۶-۱. غرض و غایت داری خداوند

- ۳-۱-۷. لزوم خدااباوری و هدفداری ۹۸
- . - هدف زندگی و هدف خلقت ۹۸
- ۳-۱-۹. ویژگی‌های زندگی هدفدار ۱۰۱
- ۳-۱-۱۰. غایت و هدف انسان ۱۰۲
- ۳-۱-۱۱. هدف خلقت ۱۰۳
- ۳-۱-۱۴. تحقق اهداف الهی ۱۰۶
- ۳-۱-۱۵. جعل هدف از سوی انسان ۱۰۶
- ۳-۱-۱۸. ایده‌ال‌ها از دیدگاه قرآن کریم ۱۱۰
- ۳-۱-۱۹. خدا غایت همه اشیاء ۱۱۱
- ۲-۱-۲۰. هدف‌داری جهان از نظر قرآن ۱۱۳
- ۳-۱-۲۱. هدف زندگی در قرآن ۱۱۵
- ۳-۱-۲۱-۱. هدف میانی و نهانی در قرآن ۱۱۷
- ۳-۲. کارکرد ۱۱۹
- ۳-۳. ارزش ۱۲۴
- ۳-۳-۱. وحدت و تعدد ارزش‌ها ۱۲۷
- ۳-۳-۳. عناصر ارزش‌بخش زندگی ۱۲۸
- ۳-۳-۳-۱. خدا: ۱۲۸
- ۳-۳-۳-۲. جاودانگی: ۱۲۹
- ۳-۳-۳-۳. عشق: ۱۳۲
- ۳-۳-۳-۴. فعالیت عقلانی: ۱۳۳
- ۳-۳-۳-۵. احترام و افتخار و تعالی: ۱۳۳
- ۳-۳-۳-۶. مفید بودن: ۱۳۴
- ۳-۳-۳-۷. آزادی: ۱۳۴
- ۳-۳-۳-۸. دستاوردهای مهم: ۱۳۴
- ۳-۳-۳-۹. اراده نیک: ۱۳۴

- ۱۳۵ ۳-۳-۱۰. اصل رفاه و سود:
- ۱۳۵ ۳-۳-۱۱. کمال وجودی
- ۱۳۵ ۳-۳-۴. جعل و کشف معنای زندگی
- ۱۳۸ ۳-۳-۱. دیدگاه‌های کشفی
- ۱۳۸ ۳-۳-۲. کشف معنا و تفکر عقلانی الهی
- ۱۴۱ ۳-۳-۳. دیدگاه ذهن‌گرایان و عین‌گرایان
- ۱۴۲ ۳-۳-۴. کشف و جعل معنای زندگی با توجه به معانی مختلف
- ۱۴۳ ۳-۳-۵. روش کشف معنای زندگی
- ۱۴۴ ۳-۳-۶. جعل یا کشف یا هر دو؟

فصل چهارم: نقش عقل و نقل در معنا بخشی زندگی

- ۱۴۹ مقدمه
- ۱۵۰ ۴-۱. گونه‌های زندگی به اعتبار معناداری
- ۱۵۱ ۴-۲. گونه‌های مختلف معناداری
- ۱۵۴ ۴-۲-۱. فراطبیعت‌گرایی:
- ۱۵۴ ۴-۲-۲. طبیعت‌گرایی:
- ۱۵۵ ۴-۳. دلایل معناداری زندگی
- ۱۵۵ ۴-۳-۱. دلیل کارکردگرایی:
- ۱۵۶ ۴-۳-۲. دلایل فلسفی:
- ۱۵۷ ۴-۴. مبانی عقلی معنای زندگی
- ۱۶۲ - کارآمدی شناخت هستی‌شناسی و معناداری:
- ۱۶۳ ۴-۴-۱. توجیحات فلسفی انسان و جهان و معنای زندگی:
- ۱۶۴ ۴-۴-۳. نظام احسن و معنای زندگی
- ۱۶۴ ۴-۵. برون‌رفت از بی‌معنایی
- ۱۷۰ ۴-۶. معنا در پرتو دین و خدا باوری

- ۱-۶-۴. دین و نیازهای روانی انسان: ۱۷۴
- هشت ادعای لوییس هاپ واکر در معناداری بر اساس خداپاوری: ۱۷۶
- ۷-۴. معناداری زندگی در پرتو علم و مقایسه آن با دین: ۱۷۸
- ۸-۴. معنای زندگی بدون دین: ۱۸۱
- ۹-۴. توفیق بیشتر توجیحات معنای زندگی در آثار دین‌مداران: ۱۸۳
- ۱۰-۴. رابطه اخلاق و معنابخشی زندگی ۱۸۵
- ۱۱-۴. اصول معنای زندگی در اسلام: ۱۸۸
- ۱-۱۱-۴. ایمان به خداوند: ۱۸۸
- ارتباط با خدا و معنای زندگی ۱۸۹
- ۲-۱۱-۴. ایمان به راهنما ۱۹۰
- ۱-۲-۱۱-۴. ایمان به امامت و معنابخشی به زندگی ۱۹۱
- ۳-۱۱-۴. معنای زندگی و ولایت و تقرب الهی ۱۹۲
- ۴-۱۱-۴. خودشناسی و خودسازی ۱۹۴
- ۵-۱۱-۴. محبت ۱۹۵
- ۶-۱۱-۴. فطرت ۲۰۱
- مفهوم فطرت و رابطه آن با کمال جوئی ۲۰۲
- امور فطری در انسان ۲۰۳
- ۷-۱۱-۴. انتظار موعود ۲۰۴
- ۱-۷-۱۱-۴. مهدویت و امنیت روانی ۲۰۶
- ۸-۱۱-۴. رابطه ایمان و عمل ۲۰۶
- ۱۲-۴. آداب زندگی معنادار در سایه خدامحوری از دیدگاه قرآن کریم ۲۰۷
- ۱-۱۲-۴. اثر فردی: ۲۰۷
- ۲-۱۲-۴. اثر اجتماعی ۲۰۹
- ۱۳-۴. فلسفه و هدف آفرینش از دیدگاه قرآن کریم و عقل ۲۰۹
- ۱۴-۴. معنای زندگی در دیدگاه قرآنی ۲۱۴

- ۲۲۰ ۴-۱۴-۱. حیات در دید قرآنی
- ۲۲۴ ۴-۱۴-۱. حیات طیبه
- ۲۴۰ ۴-۱۴-۲. حیات معقول
- ۲۴۳ ۴-۱۴-۳. حیات خاسره یا زندگی بی معنا از نظر قرآن کریم
- ۲۴۷ ۴-۱۴-۴. عوامل اعراض از حیات حقیقی و طیب
- ۲۴۸ ۴-۱۴-۲. سازوکار معنابخشی از منظر قرآن کریم
- ۲۵۶ ۴-۱۵. چیستی معنای زندگی از دیدگاه امام علی H
- ۲۶۱ خلاصه و نتیجه:
- ۲۶۲ ۴-۱۶. آثار معناداری زندگی در متون دینی
- ۲۶۳ ۴-۱۶-۱. رهایی از غربت و ناامنی
- ۲۶۴ ۴-۱۶-۲. امید و خوش بینی
- ۲۶۴ ۴-۱۶-۳. عدم نگرانی از مرگ
- ۲۶۵ ۴-۱۶-۴. کاهش رنج‌ها
- ۲۶۶ ۴-۱۶-۵. نشاط زندگی
- ۲۶۷ ۴-۱۶-۶. وحدت و امنیت اجتماعی
- ۲۶۸ ۴-۱۶-۷. سعادت اخروی
- ۲۷۰ ۴-۱۷. ماهیت دنیا
- ۲۷۵ ۴-۱۷-۱. واقعیت دنیا شرط معنابخشی به زندگی
- ۲۷۸ ۴-۱۷-۲. رابطه انسان و دنیا
- ۲۷۸ الف- وابستگی:
- ۲۷۹ ب- گسستگی از دنیا و ترک آن:
- ۲۸۰ ج- وارستگی و آزادی:
- ۲۸۳ ۴-۱۸. مرگ و معنابخشی
- ۲۸۵ ۴-۱۸-۱. فلسفه مرگ:
- ۲۸۷ ۴-۱۹. نشاط و رضایت از زندگی و معناداری

۲۸۹ ۱-۱۹-۴. عوامل نارضایتی

۲۹۰ ۱-۱-۱۹-۴. دل‌بستگی به دنیا:

۲۹۱ ۲-۱-۱۹-۴. آرزوهای دراز:

۲۹۳ ۳-۱-۱۹-۴. مقایسه خود با دنیا داران:

۲۹۴ ۴-۱-۱۹-۴. سخت‌گیری در زندگی:

۲۹۵ ۲-۱۹-۴. زمینه‌های رضایت‌مندی:

۲۹۵ ۱-۲-۱۹-۴. امیدواری:

۲۹۶ ۲-۲-۱۹-۴. قناعت:

۲۹۷ ۳-۲-۱۹-۴. لذت‌انسی:

۲۹۹ ۴-۲-۱۹-۴. دیگر امکانات و زمینه‌های شادکامی:

۳۰۱ ۳-۱۹-۴. عدم تلازم میان سختی و ناخرسندی

۳۰۴ **نتیجه و خاتمه**

۳۱۲ **فهرست منابع**

۳۱۲ (أ) کتابها

۳۱۹ (ب) مقالات

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

کلیات

۱-۱. مقدمات

مقدمه

انسان موجودی کمال‌گرا و هدف‌مند است که از بیهودگی و بی‌معنایی به سختی در رنج بوده و گریزان است. زندگی او به شرط معناداری قابل تحمل و یا رضایت است و الا بن‌بست و پوچی است. لذا بدان سان که انسان دارای جسمی و جانی است و ماده‌ای و صورتی دارد، زندگی هم دارای مواد و معنا است. دنیا و مظاهر آنکه فناپذیر و متغیر است بخش مواد را برای حیات انسانی تأمین می‌سازد، و اهداف والا و در مسیر قرار دادن حیات قسمت دوم و بخش اصلی را رقم می‌زند. معنای واقعی حیات سبب رضایت‌مندی و توجیه افعال و رفتارهای آدمی است و سبب خروج از حیرت و سرگردانی. ادعای ادیان آسمانی آن است که معنای واقعی زندگی تنها در امور حقیقی قابل جستجو است و غایت و فرجام حیات جز در سایه اعتقاد به خداوند و روز جزا میسر نیست... همه شوق‌ها و امیدها، نیازها و خواسته‌ها، تلاش‌ها و اهداف و آرزوها به وجود لایزال حق برمی‌گردد. بدین جهت باید در جستجوی معنای زندگی از نظر عقل و با تکیه بر وحی بود. دو منبع وثیق و مصون از خطا که مشعل روشن‌گر مسیر هدایت و جستجوی معنای زندگی است. به طور کلی می‌توان گفت در گذرگاه تاریخ هر فرد هشیاری که بتواند من خود را از غوطه‌ور شدن در شادی، اندوه و کشش‌های عادی و ضروری حیات بالاتر بکشد. فوراً سؤال از هدف و فلسفه زندگی برایش مطرح می‌گردد. تمامی کسانی که در طلب زندگی معقول و باارزش هستند مسلماً در لحظاتی از عمرشان با این سؤال عمیق و رازآلود و به ظاهر ساده مواجه می‌شوند که

این همه تلاش و کوشش برای چیست؟ دوییدن‌ها و طلب کردن‌ها به چه منظور و مقصودی است؟ چرا باید رنج زیستن را بر خود هموار کرد؟ و هدف نهایی این تحمل‌ها کدام است؟ آیا خود زندگی ارزش زیستن دارد؟ آیا دردها و رنج‌ها، کاستی‌ها و ناکامی‌ها بر حلاوت‌ها و کامیابی‌ها غلبه دارد؟ چه دلیل معقولی جهت پذیرش مسئولیت و تحمل مرارت‌ها و شرور وجود دارد؟ چه اموری سبب جذابیت واقعی زندگی است؟ آیا خود حیات و زیستن می‌تواند مطلوب بالذات باشد؟ آیا زیستن برای زیستن امری معقول و موجه است؟ و اگر چنین نیست زندگی وسیله و گذرگاه برای کدامین غایت والاتر است؟ و آیا آن غایت برای آدمیان به طور عام قابل شناسایی است؟ و راه وصول بدان غایت کدام است؟ آیا این غایت امری واحد، جهان‌شمول و فراگیر است یا نسبی، متکثر و متنوع و کاملاً شخصی است؟ آیا غایت در درون انسان است یا خارج از وجود انسانی است؟ امری قابل کشف است یا جعل کردنی است؟

مسئله معناداری امروزه به دلیل سیطره علم‌باوری و تفسیر مکانیکی جهان و نفی غایت‌مندی از جهان هستی به یکی از معضلات جدی انسان‌ها تبدیل شده است. جامعه نوین به ازدحام تنه‌ایان مضطرب مشهور شده است. متفکرنمایانی در این میان به جای برداشتن موانع بر سر حیات آدمی فریاد برآورده‌اند که منبع، آب ندارد و پوچی حیات را نتیجه گرفته‌اند و بدین سان از واقعیت و متن زندگی می‌گریزند و به خودفراموشی، خودفریبی و توهم‌آفرینی روی می‌آورند،

فیلسوفان جدید برای گشودن راز این معنا هر یک به راهی رفته‌اند و از منظری خاص به مسئله نگریسته‌اند، غالباً معتقدند این پرسش فقط پاسخی دینی دارد و هیچ جواب علمی و یا فلسفی بدان میسر نیست. پاره‌ای از آنان فقدان معنا را اجتناب ناپذیر دانسته و آماده پذیرش تمامی لوازم آن شده‌اند و در این بیان برخی سعی بر ورود به پروژه جعل معنا شده‌اند و بر همین مبنا در صد‌دند نشان دهند هر چند تبیین غایت‌شناختی جهان ممکن نیست اما معنابخشی به زندگی همچنان ممکن و نجات‌بخش است.

این پرسش حیاتی به خصوص در فرهنگ اسلامی به صورت کاملاً برجسته و مرتبط با هدف بعثت و خلقت الهی و با تبیین غایت‌شناختی هستی مطرح بوده است. همچنان که در بیانی

مشهور و منسوب به امیر مؤمنان H آمده است، «رحم الله امرء علم من این و فی این و الی این» .

۱-۱-۲. بیان مسأله

«معنای زندگی» از مهم‌ترین و شاید پراهمیت‌ترین مباحث دینی، فلسفی، اخلاقی و روان‌شناختی است. اساسی‌ترین پرسشی است که هر انسانی در دوره‌هایی از زندگی روزمره‌اش به صورت جدی با آن مواجه است. آیا آفرینش دارای هدف است و یا زندگی ارزش زیستن دارد و چرا باید زندگی کرد؟ این که در میان عظمت حیات، نقش شخص روشن باشد و بتواند چرایی آن را دریابد و روح جستجوگر و کمال‌طلب خود را اشباع سازد، دغدغه همیشگی انسان‌ها است. این روح پرسش‌گری و طرح سئوالات اساسی و شماری از پرسش‌های هستی‌شناختی و غایت‌شناختی و برخی از سئوالات ارزش‌شناختی و یا روان‌شناختی و تلاش برای یافتن راه حل‌هایی برای رهایی از رنج‌ها و بن‌بست‌ها، یأس‌ها و افسردگی‌ها و ناآرامی‌ها، همه و همه بحث‌هایی را تشکیل داده است که امروزه با عنوان «معنای زندگی» شناخته می‌شود.

در دیدگاه عقلانی، موجودی را می‌توان دارای حیات و زندگی دانست که دارای تلاش برای فعلیت بخشیدن استعدادها و قوای نفسانی خود داشته و در مسیر صیروت به سمت شکوفائی قوا باشد.

در دیدگاه دینی موجودی را می‌توان زنده نامید که دارای حیات معنوی بوده و زندگی‌اش رو به رشد و تقرب به سمت خداوند باشد. و همه این‌ها در صورتی است که زندگی هدف‌دار و زیستن دارای ارزش باشد. پس باید ابتدا هدف و ایده‌آل را در زندگی کشف و یا طبق دیدگاهی جعل کرد و بدین توجیه رسید که آیا آلام و رنج‌های زندگی، شرور و مشکلات به گونه‌ای است که زندگی به زیستن بیرزد یا خیر؟

شایان ذکر است که بسیاری از فیلسوفان و یا اندیشمندان در طول تاریخ به این پرسش‌ها پاسخ منفی داده و زندگی را فاقد معنا دانسته‌اند و معتقدند زندگی ارزش زیستن ندارد. افرادی

۱- محتوای این نقل - نه با این الفاظ - در روایات وجود دارد. ر. ک «محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم،

دارالحدیث، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۱۸۷۶-۱۸۷۷.

چون نیچه، آلبر کامو و کافکا در جهان غرب و ابوالعلاء معری، صادق هدایت، فروغ فرخزاد و هوشنگ گلشیری و شرق و در کشورمان نمایندگان این تفکر منفی هستند. افرادی ناامید و دارای افکاری پریشان که زندگی را سیاه و تاریک ترسیم کرده و خودکشی را رهایی از این رنج تلقی کرده‌اند. در مقابل پاسخ شایع، معناداری زندگی است.

تفکر عقلانی انسان در باب محتوای زندگی بحث معنای زندگی را بسیار جدی می‌سازد. تا انسان واجد تفکر عقلانی نباشد به این نمی‌اندیشد که برای چه زندگی می‌کند. به همین جهت پرسش از معنای زندگی یا هدف خلقت برای بسیاری کم‌اندیشان مطرح نیست و هر چه تفکر دارای عمق بیشتر باشد و سطح زندگی متعالی تر گردد و نگاه بالاتری به زندگی صورت پذیرد این بحث معنای بهتر و اهمیت بیشتری می‌یابد. پوچی و خودکشی، یأس و اضطراب حاصل نیافتن پاسخ از این پرسش‌هاست.

گاه برخی از معانی، در آغاز، چنین نمایش دهند که می‌توانند فلسفه مرگ و حیات را توجیه کنند، اما در ادامه از آن جا که در راستای اهداف و اغراض خلقت نبوده و یا فارغ از مبدأ فاعلی و غایی در نظر گرفته شده‌اند ناکام می‌مانند. معناهای ناتمام در آغاز تولید، حرکت و نشاط دارن‌اما پس از آشکار شدن بی‌ارزشی آن‌ها، موجب سرخوردگی می‌گردند.

در حالت سوم، شخص به معنای واقعی حیات دست می‌یابد. کشف معنای زندگی با توجه به خدا و معاد و در مسیر قرار دادن حیات وفق هدف و غایت خلقت چرایی حیات انسانی و رنج‌ها و سختی‌ها را پاسخگو است و آرامش و سعادت را به ارمغان می‌آورد.

از آنجا که کار عقل کشف واقع است. تفکر عقلانی در باب معنای زندگی با توجه به نظام هستی و عالم وجود، ما را به معنای واقعی زندگی سوق می‌دهد. ادیان الهی نیز تلاش دارند تا معنای واقعی زندگی را در پرتو توجه به پروردگار و غایت‌مندی خلقت و بازگشت امور به او و این که گذرگاه حیات دنیوی جایگاه حرکت و صعود و ارتقاء و سیوررت به سوی خداست، توجیه نمایند.

نگاه توحیدی به آفریدگار و نظام آفرینش، انسجام بخش کل نظام هستی و پرسش‌ها و چرایی‌ها است و در مقابل، نظام‌ها و دیدگاه‌های مادی با نگاه متفرق و متکثر خود بی‌معنایی و بی‌محتوایی عالم هستی را رقم زده‌اند. اساس خلقت از نظر دین، فضل و رحمت افاضه شده به

انسان‌ها به جهت دستیابی به کمال است و این محور می‌تواند مدار توجیه معنای زندگی باشد. از طرفی تا هویت انسانی روشن نشود معنای کمالی که او باید به دنبال آن باشد و سعادت او، روشن نخواهد شد. کرامت انسانی، انسان به عنوان خلیفه الله و مظهر تام اسماء الهی، توان او جهت نیل به مراتب عالی وجود و قرب به خداوند، انسان مسئول و حامل امانت، انسان به عنوان کون جامع و منظوی عالم کبیر، همه و همه ترسیم‌کننده غایت و هدف و مسیر رشد و سعادت است.

- در معنای مورد نظر اسلام، تمامی فعالیت‌های انسان می‌تواند در مسیر رشد و کمال، نقش‌آفرین باشد و نتیجه‌اش در فرجام حیات و سعادت ابدی و اخروی نمایان گردد. **يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا**⁹. در فرهنگ اسلامی از زندگی ارزشمند و مطلوب به «حیات طیبه» یاد شده است و از آن کسی است که ایمان و عمل صالح را دو رکن اساسی و دو ره‌توشه مهم برای رسیدن به هدف حقیقی و اصلی زندگی قرار داده است. **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**⁹. در بررسی ویژگی‌های زندگی پاکیزه یا حیات معنوی و معقول عناصری از قبیل ایمان توأم با عمل صالح، توأسی به حق و صبر، شیرینی و حلاوت رنج‌ها و معاتب، آرامش روحی و طمأنینه، محبت و عشق الهی، عدم هراس از مرگ، دوری از کفر و خودفرااموشی، رهایی از خودفربیی و نومیدی، به چشم می‌خورد. حاصل آن که از نظر آموزه‌های دینی هر خواسته و یا پرسش انسان ریشه در نوعی جستارهای پنهان و درونی نسبت به کمال مطلق دارد که تنها وجود لایزال الهی که متصف به حکمت و خلقت و تدبیر است، می‌تواند پاسخ مناسب این خواسته‌ها باشد. همه شوق‌ها و امیدها، نیازها و خواسته‌ها، تلاش‌ها و اهداف و آرزوها در ساحل وجود لایزال الهی آرام می‌گیرد. باور به عالمی وابسته به ربوبیت مطلقه الهی سبب می‌شود سایر امور نتوانند به گونه‌ای مستقل در عالم تاثیرگذار بوده و معنای محصلی برای زندگی باشند.

۱- آل عمران، ۳۰.

۲- نحل، ۹۷.